

اشاره:

سومین نشست از سلسله نشست‌های علمی مدیریت و بهره‌وری توسط انجمن بهره‌وری ایران با حضور دکتر محمدحسین ادیب-اقتصاد دان و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان در سالن الغدیر دانشکده مدیریت دانشگاه تهران برگزار شد. موضوع سومین نشست، «بهره‌وری و بخش خصوصی در سال ۱۳۹۳» بود که مورد بحث و بررسی دکتر ادیب و مدعوین قرار گرفت.

گزارشی از برگزاری سومین نشست ماهیانه بهره‌وری و بخش خصوصی در سال ۱۳۹۳

## پایان ضیافت درآمدهای نفتی

در ابتدا، مهندس حسین حاجیان - رییس انجمن ملی بهره‌وری ایران - ضمن خوشامدگویی به میهمانان و اشاره به دو نشست موفق قبلی که با حضور دکتر فرشاد مومنی (اقتصاد دان) و دکتر مجید قاسمی (مدیرعامل بانک پاسارگاد) برگزار شد؛ ابراز امیدواری کرد تا این جلسات تداوم داشته باشند.

در ادامه دکتر ادیب به جایگاه سخنرانی دعوت شد تا مطالب خود در زمینه بهره‌وری و بخش خصوصی و همچنین پیش‌بینی اقتصاد کشور در سال ۱۳۹۳ را ارائه نماید. وی ضمن بیان این مطلب که مشکلات بهره‌وری در ایران به دلیل کاهش درآمد نفت، بانک‌محور بودن اقتصاد ایران، و بالا بودن نرخ بهره است؛ اذعان داشت: ۳ برابر معدل دنیا در بخش کشاورزی از آب استفاده می‌کنیم و بازه محصول ما در این بخش یک‌چهارم معدل جهانی است به این ترتیب بهره‌وری در بخش کشاورزی ایران یک دوازدهم دنیاست.

وی افزود: در صنعت فولاد کره جنوبی در هر تن به ازای هر پرسنل ۲۸۰۰ تن تولید (در یک سال) انجام می‌شود در حالی که این رقم در ایران ۲۸۰ تن به ازای هر پرسنل است! و بهره‌وری صنعت فولاد کشور ما یک دهم کره جنوبی می‌باشد.

در نظام اداری آمریکا ۲ میلیون و صد هزار کارمند



بانک مرکزی مدتی قبل اعلام کرد که سال ۱۳۹۰، بانک‌های کشور ۱۹۰ هزار میلیارد تومان وام پرداخت کرده‌اند و امسال طبق اعلام مسئولان بانک مرکزی، ۲۱۰ هزار میلیارد تومان وام پرداخت شد، به این ترتیب توان ۱۹۰ هزار میلیارد تومانی پرداخت وام بانک‌ها در سال ۹۰ به ۷۰ میلیارد تومان کاهش یافت.

بانک‌ها منتقل شد.

به گفته دکتر ادیب، معمولاً صنایع دیجیتال حدود ۵۰ درصد کمتر از مواد اولیه استفاده می‌کنند و صنایع پیش‌دیجیتال قادر به رقابت با این صنایع نیستند زیرا به مواد اولیه به مراتب بیشتری نیاز دارند.

وی بدنه صنایع ایران را از جنس تکنولوژی پیش‌دیجیتال دانست و گفت: در چند ماه گذشته، قیمت محصولات مبتنی بر صنایع پیش‌دیجیتال افزایش سرسام‌آوری پیدا کرد و در بورس به مردم فروخته شد (مشابه همان روندی که در آمریکا رخ داد) و این اتفاق در دولت تدبیر و امید به وجود آمد و در بورس نتوانسته بودند از اطلاعات اندک مردم سوءاستفاده کنند.

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان گفت: بانک مرکزی مدتی قبل اعلام کرد که سال ۱۳۹۰، بانک‌های کشور ۱۹۰ هزار میلیارد تومان وام پرداخت کرده‌اند و امسال طبق اعلام مسئولان بانک مرکزی، ۲۱۰ هزار میلیارد تومان وام پرداخت شد، به این ترتیب توان ۱۹۰ هزار میلیارد تومانی پرداخت وام بانک‌ها در سال ۹۰ به ۷۰ میلیارد تومان کاهش یافت و متأسفانه بهره‌وری به‌اندازه‌ای در کشور ما به‌اندازه‌ای پایین است که به محض کاهش درآمدهای نفتی، شاهد کوچک شدن کیک اقتصاد کشور هستیم.

وی با بیان این نکته که ایران در حال حاضر بالاترین نرخ بهره را در سیاره زمین دارد؛ ادامه داد: این در حالی است که شعار «مخالفت با بهره» مطرح می‌شود!

۱۰ میلیارد دلار میعانات گازی، ۲ میلیارد دلار فرآورده‌های نفتی، ۵ میلیارد دلار به ترکیه، یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار نفت کوره به کشورهای حاشیه خلیج فارس صادر می‌کنیم. از سوی دیگر معادل ۶۰۰ هزار بشکه انرژی به مجتمع‌های پتروشیمی داده می‌شود و واحدهای مذکور ۵۰ هزار میلیارد تومان بابت یارانه انرژی دریافت می‌کنند اما شرکت ملی گاز در حالی به بدهی ۱۰ هزار میلیارد تومانی خود اشاره می‌کند که میزان صادرات گاز این شرکت به ترکیه حدود ۵ میلیارد دلار است!!!!

مشکل دوم به تعبیر دکتر ادیب، «بانک‌محور بودن اقتصاد ایران» است. وی گفت: تکنولوژی دیجیتال در دهه ۹۰ در آمریکا جایگزین تکنولوژی پیش‌دیجیتال شد و این امر می‌طلبید که صنایع پیش‌دیجیتال آمریکایی جمع شوند. تا سال ۱۹۹۰ خانواده‌های آمریکایی اقبالی نسبت به خرید سهام از خود نشان نمی‌دادند اما پس از سال ۹۰، به طور گسترده‌ای به خرید سهام پرداختند و در نتیجه صنایع پیش‌دیجیتال به ۳ برابر قیمت به خانواده‌های آمریکایی فروخته شد. اما در سال ۲۰۰۱ با سقوط بورس، خانواده‌های آمریکایی ۷ هزار میلیارد دلار و خانواده‌های اروپایی ۱۴ هزار میلیارد دلار متضرر شدند. در واقع هزینه انتقال از تکنولوژی پیش‌دیجیتال به تکنولوژی دیجیتال از خانواده‌ها گرفته شد.

وی افزود: در سال ۲۰۰۲ با ظهور پیدایش «جهانی شدن» بسیاری از صنایع اتحادیه اروپا و آمریکا باید تعطیل می‌شدند به همین دلیل بار دیگر شاهد افزایش قیمت سهام بودیم اما در سال ۲۰۰۸ سقوط دیگری تجربه شد این در شرایطی بود که مردم دنیا سهام داو جونز را در سطح گسترده‌ای خریداری کرده بودند و مجدداً ریسک آن دسته از صنایع آمریکایی که با پدیده جهانی شدن مشکل داشتند؛ به خانواده‌ها انتقال یافت! اما در ایران، بورس به جز چند ماه اخیر، چندان فعال نبود و به همین دلیل ریسک ناشی از تولید دیجیتال و بروز پدیده جهانی شدن به

(وزارتخانه‌ها) و در ایران هم ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر مشغول کار هستند؛ تولید ناخالص ملی آمریکا ۱۶ هزار میلیارد دلار و این رقم در ایران طبق آمار وزارت اقتصاد و دارایی ۵۰۰ میلیارد دلار (معادل یک سی و دوم آمریکا) است در حالی که تعداد کارمندان ایران به مراتب بیشتر از کارمندان آمریکایی است؛ بنابراین در نظام اداری ایران نیز میزان بهره‌وری اندک است. به گفته دکتر ادیب، صادرات نفت ایران در سال ۱۳۹۰، بالغ بر ۸۰ میلیارد دلار بود و اگر می‌خواستیم این رقم را از محل صادرات غیرنفتی به دست آوریم با سود ۱۰ درصدی ناشی از فروش صد شرکت بزرگ عضو بورس بین‌الملل در سال گذشته، باید ۸۰۰ میلیارد دلار صادرات انجام می‌دادیم یعنی معادل با نصف ارزش افزوده صادرات چین! بنابراین در سال ۱۳۹۰، معادل ۵۰ درصد ارزش افزوده چین به اقتصاد ایران از محل صادرات نفت ارزش افزوده کسب شد بنابراین نباید هم کار می‌کردیم زیرا کار کردن و بهره‌وری مینا و مفهوم اقتصادی نداشت!!!! اما امسال طبق آمارهای مربوط به درآمدهای وصولی دولت ناشی از فروش نفت مشاهده می‌کنیم که در شش ماهه نخست سال ۱۳۹۲، ۱۰/۵ میلیارد دلار از محل فروش نفت به خزانه کشور دلار تزریق شد و وصولی درآمد نفت از ۸۰ میلیارد دلار به ۲۱ میلیارد دلار (یک چهارم) کاهش یافته است پس مهم‌ترین عاملی که این سیستم را تغذیه می‌کرد دیگر وجود ندارد به عبارت بهتر آن زمان کار نمی‌کردیم و پول نفت وجود داشت اما امروز همچنان کار نمی‌کنیم اما دیگر پول نفت وجود ندارد!!!! و مشکل از زمانی به وجود آمد که عامل اصلی پوشش‌دهنده بهره‌وری پایین یعنی درآمدهای نفتی حذف شدند.

اما این تمام داستان نیست... سوال اینجاست که چه میزان ارزش افزوده (به جز نفت صادراتی) به کشور تزریق می‌شود؟ در حال حاضر ۳۵ میلیارد دلار انرژی، ۱۲ میلیارد دلار پتروشیمی،

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان افزود: ۱۲۸ رشته صنعتی در دنیا وجود دارد که هر کشور در ۱۰ رشته فعال می‌باشد برای مثال ۸۰ درصد صادرات کره جنوبی به ۱۱ رشته صنعتی اختصاص دارد و کشوری مانند آلمان در ۲۰ رشته صنعتی به فعالیت می‌پردازد اما در ایران ۴۱ رشته صنعتی در بورس و ۱۰ رشته هم خارج از بورس وجود دارند و به‌طور کلی در ۵۱ رشته فعال هستیم!!!! زیرا همیشه یارانه حاصل از فروش نفت وجود داشته و واحدها به حیات خود ادامه می‌دادند اما با کاهش تزریق ارزش افزوده با اقتصاد در ایران تولید به حداکثر ۲۰ رشته کاهش خواهد یافت و باید در ۲۱ رشته بورسی تولید متوقف شود. دکتر ادیب افزود: گران شدن سهام بورس

از سال ۱۳۸۱ سیاست بسیار شدید بسط پولی مدنظر قرار گرفت و تا اسفند سال گذشته تداوم یافت که مهم‌ترین اثر این سیاست، تبدیل ایران به اولین کشور دارای تورم بالا در سیاره زمین بود!! از ابتدای سال ۱۳۹۲، سیاست به شدت انقباضی در پیش گرفته شد در نتیجه پایه پولی رشد نکرد و اسکناس بدون پشتوانه منتشر نشد.

شرکت‌ها در بسیاری از رشته‌هایی که فاقد مزیت هستیم چیزی جز سوءاستفاده از قلت اطلاعات مردم نبود و مسئولان بورس بدانند زبانی که مردم از این طریق کسب خواهند کرد منجر به بروز بی‌اعتمادی می‌شود که تا سال‌ها قابل جبران نخواهد بود.

وی تصریح کرد: در حال حاضر ۸۰ درصد قدرت خرید مردم به ۷ قلم کالا و خدمات حیاتی و ضروری (مانند خوراک، دارو، آموزش، انرژی و حمل و نقل و ...) اختصاص پیدا می‌کند و ۲۰ درصد قدرت خرید متوجه سایر کالاها و خدمات است اما ۸۰ درصد فعالان اقتصادی برای رفع نیاز این ۲۰ درصد به فعالیت می‌پردازند

و ۸۰ درصد وام‌های بانکی به این طیف اعطا می‌شود! از سوی دیگر این ۸۰ درصد اقتصاد که فروش آنها یک‌سوم سال ۱۳۸۹ است؛ به شدت به رقابت با همدیگر می‌پردازند تا سهم بازار خود را حفظ نمایند پس باید به منظور تقلیل ارزش افزوده به اقتصاد بخش‌های بازرگانی، خدماتی و دولتی، کوچک‌تر شوند و بدانیم برای بازگشت به اقتصاد جهانی باید تورم را به زیر ۵ درصد برسانیم؛ به عبارت دیگر باید سیاست قبض پولی را تا دو سال دیگر ادامه دهیم.

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان بیان داشت: نتیجه کاهش درآمدهای نفتی، کوچک شدن طبقه متوسط است و بخش‌هایی که ارائه‌دهنده کالا و خدمات به این قشر هستند؛ باید به شدت کوچک شوند.

دکتر ادیب افزود: با کاهش درآمدهای نفتی دیگر نمی‌توان ۱۴ میلیون انسان را در تهران متمرکز کرد بنابراین تولید و توزیع در سایر شهرها، منطقی و مقرون به‌صرفه خواهد شد؛ ضمن این‌که به افزایش بهره‌وری منجر می‌شود.

وی در بخش دیگر سخنرانی خود عنوان داشت: اگر اقتصاد آمریکا را از جنگ جهانی اول تا امروز مورد مطالعه قرار دهیم متوجه خواهیم شد که هر ۱۰ سال یک‌بار سیاست بسط پولی را مدنظر قرار می‌دهد. نخست این‌که ۱۰ سال به شدت، سیاست کسر بودجه را در پیش گرفت و دلارهای خود را به دنیا صادر نمود اما یک‌بار سیاست قبض پولی را اجرا کرد و چاپ اسکناس را متوقف کرد. با افزایش تورم، وام‌گیرندگان متوجه شدند که به سود بیشتری از حد انتظار دست یافته‌اند در نتیجه مقدار وام دریافتی خود را به‌طور مرتب افزایش دادند تا این‌که یک‌بار دولت، سیاست کسر بودجه را متوقف می‌کند و سیاست قبض پولی را پیش می‌گیرد به این ترتیب دیگر تورمی وجود ندارد و نرخ بهره‌ها بالا می‌رود و وام‌گیرندگان برای این‌که بتوانند وام خود را پس بدهند باید بفروشند و به این ترتیب

عرضه افزایش و تقاضا رشدی نمی‌کند و این مسائل به سقوط قیمت‌ها منجر خواهد شد. پس آمریکا هر ده سال یک‌بار سیاست شدید بسط پولی را به سیاست شدید قبض پولی و در نهایت این سیاست به شدت تورمی را به سیاستی ضد تورم تبدیل می‌کند.

این اقتصاد دان ادامه داد: اما در ایران... از سال ۱۳۸۱ سیاست بسیار شدید بسط پولی مدنظر قرار گرفت و تا اسفند سال گذشته تداوم یافت که مهم‌ترین اثر این سیاست، تبدیل ایران به اولین کشور دارای تورم بالا در سیاره زمین بود!! از ابتدای سال ۱۳۹۲، سیاست به شدت انقباضی در پیش گرفته شد در نتیجه پایه پولی رشد نکرد و اسکناس بدون پشتوانه منتشر نشد. این سیاست قبض پولی، اقتصاد را تحت فشار تورم منفی قرار داد لذا مسکن نسبت به اسفند ۳۰ درصد کاهش قیمت داشت و عده‌ای در این میان وام با بهره ۳۰ درصد گرفتند تا ثروتمند شوند! مردمی که شاهد تورم سال‌های ۹۰ و ۹۱ بودند به تصور این‌که امسال وضعیت همان‌طور خواهد بود، وام با بهره‌های ۳۰ و ۳۰ درصدی گرفتند اما امسال از یک‌طرف ۳۰ درصد قیمت مسکن، طلا و دلار سقوط کرد اما از طرف دیگر باید بهره‌های کلان بپردازند ضمن این‌که بخش قابل توجهی از پول خود را از دست داده است.

دکتر ادیب گفت: به اعتقاد من، سیاست قبض پولی، سال آینده هم ادامه خواهد داشت و اقتصاد همچنان تحت تأثیر تورم منفی به سر می‌برد لذا فعالان بخش خصوصی تنها بر سود عملیاتی خود تکیه کنند و دیگر سود ناشی از تورم در کار نیست؛ نکته دیگر این‌که انسان‌ها براساس حافظه تاریخی خود عمل می‌کنند اما باید بدانیم ایران، دومین کشور دارای بالاترین نرخ بهره است لذا به زودی دولت مجبور می‌شود اسکناس منتشر نماید....

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان اذعان داشت: در گذشته مهمان لوله‌های نفت بودیم و این

شرکت‌ها حداکثر باید به اندازه یک ماه ذخیره کالا داشته باشند تا بتوانند ریسک ناشی از سقوط قیمت نفت را تحمل کنند اما متأسفانه بخش صنعت و بازرگانی کشور ما شناخت دقیقی از فرایندهای جهانی ندارند و معمولاً در فروپاشی‌های مالی دچار مشکلات عمیقی می‌شوند؛



این ترتیب به جای اول خود بازمی‌گشت این اقدام بارها تکرار می‌شد متأسفانه دولت قبلی ما نیز وارد همین سیکل معیوب شد. اگر قرار است دولت یارانه انرژی را حذف کند باید نرخ ارز را ثابت نگه دارد و یا در فروردین ۹۳ به شوک درمانی بپردازد به این ترتیب که یارانه انرژی را به طور کامل بردارد مشروط به این که همان میزانی که یارانه انرژی حذف و تورم بروز می‌یابد، نرخ دلار گران نشود.

دکتر ادیب گفت: مطلب دیگر این که مردم، قیمت بنزین را شاخص تورم می‌دانند و معتقدند با افزایش نرخ بنزین، تمام کالاها و خدمات گران می‌شود اما نمی‌دانند که افزایش قیمت بنزین به دلیل رشد پایه پولی است و عامل اصلی تورم قیمت بنزین نیست بلکه چاپ اسکناس‌های بدون پشتوانه می‌باشد.

به بیان عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان، در صورتی که دولت مانع رشد پایه پولی شود و اسکناس بدون پشتوانه منتشر نکند با حذف یارانه انرژی، قدرت خرید مردم افزوده نمی‌شود که در این صورت مردم ۱۰ قلم کالای مورد نیاز را با قیمت بالاتر خریداری می‌کنند و قدرت خریدشان برای تهیه سایر کالاها به شدت افت خواهد کرد به این ترتیب دیگر شاهد تورم نخواهیم بود زیرا تورم به معنای فزونی تقاضا بر عرضه است اما زمانی که رشد پایه پولی متوقف شود؛ چگونه تقاضا بر عرضه پیشی خواهد گرفت؟!!!!

وی گفت: نجومی کردن نرخ بهره و توقف پایه پولی، دو راهکار کشوری است که با مشکل تورم بالا مواجه است؛ اگر رشد پایه پولی متوقف باشد، سال آینده با ۱۵ درصد کاهش در قیمت مسکن روبرو خواهیم بود. زیرا قدرت خرید، افزایش نمی‌یابد. دکتر ادیب، بزرگ‌ترین مشکل اقتصاد ایران را عدم تعادل میان «قیمت» و «عایدی» دانست و گفت: ارتباط میان قیمت و عایدی یک به صد است و ارتباط فعلی به رونق اقتصادی منجر نخواهد شد.

مهمانی دیگر در سطح گذشته برگزار نمی‌شود بنابراین باید به فکر افزایش بهره‌وری باشیم. وی افزود: بزرگ‌ترین ریسکی که دولت دکتر روحانی را طی ۳ سال آینده تهدید می‌کند، سقوط قیمت نفت است و دولت باید به گونه‌ای مدیریت شود که اگر قیمت نفت هم سقوط کرد؛ قدرت مانور داشته باشد اما در حال حاضر چنین چیزی را در آهنگ غالب حرکت دولت مشاهده نمی‌کنم. دولت در حال حاضر با نفت بشکه ۱۰۰ دلار اقتصاد کشور را تنظیم می‌کند و این امر بزرگ‌ترین خطای راهبردی دولت می‌باشد.

دکتر ادیب ادامه داد: روند قیمت‌ها در غرب همواره سینوسی است و این امر برای اقتصاد غرب همواره مفید بوده‌است. در سال ۱۹۹۸ اقتصاد کره جنوبی سقوط کرد و ارزش پول ملی و ارزش سهام آن کاهش بسیاری یافت، یک کنسرسیوم آمریکایی، سهامی که قیمت آن یک‌هشتم کاهش یافته بود؛ خریداری نمود، سپس به کره جنوبی وام پرداخت کرد و در مرحله بعد ارزش پول ملی و سهام این کشور به روال عادی خود بازگشت.

این اقتصاد دان گفت: شرکتی که بر اساس نوسان‌گیری از تورم سرمایه‌گذاری می‌کند؛ قطعاً با نوسان قیمت دچار آسیب جدی خواهد شد لذا شرکت‌ها حداکثر باید به اندازه یک ماه ذخیره کالا داشته باشند تا بتوانند ریسک ناشی از سقوط قیمت نفت را تحمل کنند اما متأسفانه بخش صنعت و بازرگانی کشور ما شناخت دقیقی از فرایندهای جهانی ندارند و معمولاً در فروپاشی‌های مالی دچار مشکلات عمیقی می‌شوند؛ پس به اعتقاد من مدیریتی بهینه است که در صورت نوسان قیمت نفت، قدرت مانور داشته باشد.

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان گفت: آمریکای لاتین از دهه ۷۰ میلادی وارد سیکل معیوب کاهش یارانه و افزایش نرخ ارز شد؛ یعنی ۲۰ درصد یارانه را برمی‌داشت اما با فشار مردم، ۲۰ درصد نرخ ارز را افزایش می‌داد! به